

نویسنده : عباس آل زین «Abbas al Zein» .

منبع و تاریخ نشر : کریدل «2025-12-12» .

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

تصرف میدان قرنه غربی عراق توسط آمریکا،
روسیه را کنار زده و تسلط انرژی را دوباره تثبیت
می‌کند.

US takeover of Iraq's West Qurna field sidelines Russia, reasserts energy dominance

تحریم‌های آمریکا و پایبندی عراق به آنها، راه را برای اکسون موبیل هموار
کرد تا جایگزین آخرین پایگاه نفتی بزرگ روسیه در عراق شود و بدون
شلیک حتی یک گلوله، خطوط کنترل را از نو ترسیم کن

*US sanctions and Iraqi compliance cleared the way for ExxonMobil
to replace Russia's last major oil foothold in Iraq , redrawing the
lines of control without firing a shot*



عکاسی توسط کریدل

در 8 دسامبر، دو مقام نفتی عراق تأیید کردند که عملیات در میدان نفتی قرنا 2 غربی
در جنوب عراق به طور ناگهانی متوقف شده است. به گفته این مقام‌ها، «علت بسته شدن
نشت در خط لوله صادرات است». اما تعداد کمی در راهروهای انرژی بغداد این داستان
را خریدند.

در روزهای قبل، اکسون موبیل بی سر و صدا به وزارت نفت عراق مراجعه کرده بود و علاقه خود را برای تصاحب اکثریت سهام شرکت لوک اویل روسیه در میدان عظیم نفتی اعلام کرده بود. آنچه پس از آن اتفاق افتاد، توالی دقیقی از وقایع بود: اعلام «فورس ماژور» توسط لوک اویل، تعلیق پرداخت‌ها از سوی بغداد، و دعوت آشکار از شرکت‌های آمریکایی برای دخالت.

آنچه ممکن است شبیه یک اختلاف فنی یا قراردادی به نظر برسد، در واقع، تلاشی حساب شده برای قطع استراتژیک ترین خط حیاتی انرژی روسیه در عراق است، تنها چند ماه پس از آن که واشنگتن تلاش خود را برای به حاشیه راندن مسکو در سطح جهانی تجدید کرد.

تحریم‌ها به عنوان یک چاقوی جراحی

ریشه‌های بحران غرب قرن 2 به طور ناگهانی به وجود نیامد، بلکه در نتیجه مستقیم در هم تنیدگی تحریم‌های غرب علیه روسیه با سیاست‌های نفتی بغداد بود.

در سال 2022، به دنبال تشدید جنگ در اوکراین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا مجموعه‌ای از تحریم‌ها را علیه شرکت‌های روسی فعال در بخش انرژی و نفت اعمال کردند، از جمله محدودیت‌هایی در تأمین مالی پروژه‌ها، ممنوعیت تأمین تجهیزات فنی و محدود کردن معاملات بانکی بین‌المللی، که عملاً شرکت‌های بزرگ نفتی روسیه در خارج از کشور را فلج کرد. لوک اویل که زمانی اپراتور بلامنازع دومین میدان نفتی بزرگ عراق بود، به‌طور فزاینده‌ای قادر به تأمین منابع مالی یا تجهیزات مورد نیاز برای حفظ عملیات نبود. در نوامبر، شرکت روسی به وزارت نفت عراق اطلاع داد که دیگر نمی‌تواند به تعهدات قراردادی خود عمل کند.

پاسخ بغداد سریع بود. این وزارتخانه تمام پرداخت‌های نقدی و غیر نقدی برنامه‌ریزی شده به شرکت را به حالت تعلیق درآورد و بارهای نفتی را از میدان متوقف کرد، که نشان می‌دهد بحران از یک مشکل فنی صرف به یک مناقشه مالی و اداری تبدیل شده است که تحت فشار خارجی هدایت می‌شود.

دولت خود مداخله کرد تا به طور موقت دستمزد کارگران را در این میدان بپردازد تا تداوم تولید تضمین شود و این نشان دهنده میزان تنش و فشار ناشی از محدودیت فعالیت شرکت روسی است.

اعلام "فورس ماژور" لوک اویل نشانه آشکاری از سقوط توانایی شرکت برای فعالیت در محیطی فلج شده توسط تحریم‌های غرب بود که تداوم آن را در عراق تقریباً غیرممکن می‌کرد.

تحریم های ایالات متحده و انگلیس به ویژه به عنوان ابزاری سیاسی برای تنظیم مجدد نفوذ در بخش انرژی عراق مورد استفاده قرار گرفته است و یکی از مهم ترین مبادین نفتی و منابع مرتبط این کشور را به هدف مستقیم سیاست های بازسازی غرب تبدیل کرده است.

چرا قرآن غربی 2 اهمیت دارد؟ قرنای غربی با تولید نزدیک به نیم میلیون بشکه در روز (حدود 10 درصد از کل تولید عراق) یکی از بزرگترین نفت در جهان است و سنگ بنای درآمد ملی عراق است و تولید آن تقریباً 0.5 درصد از تولید جهانی نفت را تشکیل می دهد.

از زمان امضای قرارداد عملیاتی با لوک اوایل در سال 2009، لوک اوایل 75 درصد از سهام عملیاتی این میدان را در اختیار دارد. این کنترل تنها محدود به مدیریت فنی نبود، بلکه باعث نفوذ غیرمستقیم روسیه بر یکی از مهمترین منابع انرژی عراق شد و هر گونه تصمیم یا تغییر در این زمینه پیامدهای اقتصادی و سیاست داخلی دارد.

این حضور همچنین به عنوان وزنه ای برای تسلط ایالات متحده در بخش انرژی عراق پس از سال 2003، تحت سلطه شرکت های غربی مانند بریتیش پترولیوم و شل بود.

این میدان یکی از ستون های صادرات نفت عراق است که کنترل آن را به موضوعی فراتر از سودآوری یا کارایی عملیاتی تبدیل می کند. مدیریت این منبع حیاتی به معنای توانایی کنترل میزان تولید و صادرات و در نتیجه تأثیرگذاری بر درآمدهای ملی و کسری یا مازاد بودجه دولت است. هر گونه تغییر در ساختار دولت، همانطور که امروز با فشار تحریم های غرب بر لوک اوایل می بینیم، در را به روی بازآرایی نفوذ در داخل کشور باز می کند و بغداد را با گزینه های محدودی بین حفظ شراکت روسیه یا تعامل با شرکای غربی تحت حمایت نفوذ سیاسی و اقتصادی بین المللی باز می گذارد.

پس حذف لوک اوایل صرفاً به خاطر محدودیت های فنی یا مالی نیست. بلکه در مورد موازنه مجدد نفوذ است که جای پای روسیه را در غرب آسیا تضعیف می کند.

تاریخچه کوتاه یک بازی طولانی

حضور لوک اوایل در عراق به دوران صدام حسین برمی گردد، زمانی که این شرکت حقوق توسعه میدان قرنه غربی را قبل از اخراج تحت فشار ایالات متحده در پیشبرد تهاجم غیرقانونی سال 2003 دریافت کرد. پس از سال ها مذاکره، مسکو در سال 2009 با یک قرارداد خدمات تجدید نظر شده دوباره وارد این عرصه شد.

از آن زمان، لوک اویل سرمایه قابل توجهی را برای زیرساخت ها، آموزش و توسعه تولید سرآزیر کرده است و به افزایش تولید غرب قرنه 2 به نزدیک به 480000 بشکه در روز کمک کرده است. اما موفقیت این شرکت آن را به یک هدف نیز تبدیل کرد. با افزایش تنش بین مسکو و واشنگتن، بخش نفت عراق به میدان جنگ دیگری برای کنترل تبدیل شد.

فشار اخیر بر لوک اویل یک دوره دو دهه ای را تکمیل می کند که با خروج اجباری آن آغاز شد، تحت تحمل شکننده ایالات متحده بازگشت و اکنون با یک پاکسازی آرام به پایان رسیده است.

طرح ایالات متحده: جایگزین کنید، نه رقابت .

بر خلاف دیگر غول های انرژی روسیه مانند روس نفت یا گازپروم که حضور آنها در عراق محدود است، لوک اویل پروژه شاخص روسیه در غرب آسیا بود. از دست دادن آن هم نمادین است و هم مادی. اعلام اکسون موبیل به عنوان جایگزین احتمالی در نهایت به این موضوع است که واشنگتن هژمونی انرژی خود را در منطقه ای مرکزی برای استراتژی جهانی خود تضمین می کند. بنابراین، کنترل بالقوه میدان توسط شرکت های آمریکایی به مدیریت تولید محدود نمی شود، بلکه به واشنگتن اهرمی تقریباً کامل می دهد تا از طریق تقسیم درآمدها و صادرات، بر بخش انرژی عراق تأثیر بگذارد.

این اقدام به وضوح نشان دهنده کاهش نفوذ مستقیم روسیه در بخش نفت عراق است، با غیبت لوک اویل به عنوان انکوباتور اصلی منافع مسکو، و به عنوان بخشی از تغییرات گسترده تر در مدیریت بخش نفت این کشور در چارچوب مبارزه بین المللی برای منابع و سرمایه گذاری.

برنده و بازنده .

بحران قرنای غربی 2، ذینفعان و تلفات تغییر سیاست نفتی عراق را آشکار کرده است. بزرگترین برنده، واشنگتن است، که اکنون شرکت هایش را آماده کنترل میدانی با حدود نیم میلیون بشکه در روز می کند.

این کنترل علاوه بر تأمین نفت، بر خطوط حیاتی مالی، تصمیمات سرمایه گذاری و مشارکت خارجی عراق تأثیر می گذارد. پیش از این، محمد شیعه السوداني، نخست وزیر عراق، غول انرژی آمریکایی شورون را در بحث در مورد میدان نفتی ناصریه درگیر کرده است - اقدامی که به طور گسترده مکمل ورود اکسون موبیل است.

برای روسیه، از دست دادن به یاد ماندنی است. خروج لوک اویل به این معنی است که مسکو مهم ترین پایگاه انرژی خود در عراق را واگذار کرده است. این اقدام پس از

شکست‌های مشابه در سوریه صورت می‌گیرد، جایی که روسیه از پروژه‌های بزرگ بازسازی و انرژی کنار گذاشته شده است. با توجه به اینکه تعداد کمی از شرکت‌ها می‌توانند جایگزین مقیاس و نفوذ لوک اوایل شوند، حضور کرملین در بازی انرژی خلیج فارس در حال کاهش است.

این تلفات همچنین هشداری را برای سایر شرکت‌های انرژی روسیه که در محیط‌های مورد مناقشه فعالیت می‌کنند ارسال می‌کند: بدون حمایت قانونی و آزادی عمل مالی که زمانی از طریق مشارکت‌های بین‌المللی ارائه شده بود، آنها در برابر جنگ اقتصادی هماهنگ آسیب‌پذیر هستند. عراق که زمانی به عنوان یک گره کلیدی در کریدور انرژی اوراسیا روسیه دیده می‌شد، به سرعت به سمت ستون غربی می‌لغزد.

برای عراق، تصویر تاریک‌تر است. پیشرفت فوری ثبات است - ادامه تولید، سرمایه‌گذاری تازه و شایستگی فنی. اما هزینه درازمدت ممکن است سنگین باشد: اتکای عمیق به شرکت‌های غربی، کاهش حاکمیت بر تصمیمات انرژی، و تکرار الگوهای پس از سال 2003 که در آن شرکت‌های چند ملیتی خارجی دستور کار نفت عراق را دیکته می‌کردند.

نادیده گرفتن پژواک‌های آن دوران سخت است. قراردادهای مشارکت در تولید (PSA) و قراردادهای خدماتی که زمانی به عنوان ابزارهای عملگرایانه مطرح می‌شدند، اکنون به دلیل محدود کردن خودمختاری عراق به طور گسترده مورد انتقاد قرار می‌گیرند. در واقع، تغییر قرنه غربی 2 ممکن است به خوبی نشان‌دهنده بازگشت به آن مدل باشد - فقط این بار در سایه رقابت ایالات متحده و روسیه.

وزارت نفت عراق اصرار دارد که تحرکات اخیر ناشی از ضرورت است، نه سیاست. مقامات به نیاز به شرکای قابل اعتماد، کارایی فنی و توان مالی اشاره می‌کنند. اما منتقدان در داخل عراق استدلال می‌کنند که این واگذاری کمتر به توانایی و بیشتر مربوط به همسویی است.

صداهای محلی در عرصه انرژی و سیاسی عراق هشدار می‌دهند که بغداد با اجازه دادن به شرکت‌های غربی برای تثبیت کنترل بر دارایی‌های کلیدی، حاکمیتی را که ادعا می‌کند از آن دفاع می‌کند، تضعیف می‌کند. همانطور که در حوزه‌های رمیله و مجنون پس از سال 2003 مشاهده شد، مدیریت خارجی اغلب با رشته‌هایی همراه است: مکانیسم‌های قیمت‌گذاری، اولویت بندی صادرات، و قوانین سرمایه‌گذار پسند که بر منافع ملی غالب است.

آیا مسکو از عراق دست کشیده است؟

تغییر ساختار در غرب قرآن 2 همچنین این سوال را ایجاد می‌کند: آیا روسیه به طور کلی از غرب آسیا عقب نشینی می‌کند؟ همانطور که *The Cradle* در ماه گذشته مشاهده

کرد، اولویت های استراتژیک مسکو تغییر کرده است. با توجه به اینکه جنگ اوکراین منابع را از بین می برد و سیاست خارجی را تغییر می دهد، عراق ممکن است دیگر در اولویت نباشد.

این خوانش با عقب نشینی انرژی اخیر روسیه نه تنها در عراق و سوریه، بلکه در شرق مدیترانه و مصر نیز پشتیبانی می شود.

این که آیا این یک مکث تاکتیکی است یا یک عقب نشینی استراتژیک طولانی مدت، باید دید. اما آنچه واضح است این است که ایالات متحده منتظر نیست. واشنگتن با داشتن وست قرنا 2 به عنوان آخرین جایزه، نقشه انرژی عراق را دوباره ترسیم می کند - و با سرعتی قابل توجه

-----**با تقدیم احترام «15-12-2025»**

.....